



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۸/۱۴



دوکتور محمد عثمان تره کی

## آیا طالب افزار عمق ستراتژیک پاکستان است ؟

در روشنایی واقعیت های چار دهه جنگ در افغانستان و انکشافات اخیر اوضاع برای درک سالم آنچه خطر اعمال نفوذ پاکستان در انکشاف سیاسی آینده افغانستان نامیده شده است باید به چند فکتور ثابت توجه کرد :

۱- ائتلاف نظامی بین المللی به قیادت امریکا برای دادن شکل و شمایل به « بازی بزرگ » قرن ۱۹ به افغانستان حمله کرد. انگیزه این تهاجم را خلأ قدرت دولتی در افغانستان و بی سرپرست ماندن کشور های بازمانده از سقوط امپراتوری شوروی، آماده ساخت.

۲ - انفجار نوپارک و هیجان ناشی از ان در سطح بین المللی به توجه ائتلاف نظامی بین المللی به سوی پاکستان ارجحیت میداد. افغانستان موره حساس در « بازی بزرگ » بدرجه اول میباشد به مثابه تخته خیز مهاجمین در افغانستان به سوی پاکستان دارای « بم ذروی اسلامی » و منبع صدور جهاد ( با تاپه تروریست از جانب غربیان )، مورد استفاده قرار میگرفت . رسیدگی بعدی به حساب آسیای مرکزی در فقره دوم اجندا جای گرفت.

۳- پاکستان در آغاز راه همکاری را با امریکا و متحدین در دفع آنچه تروریزم خوانده شده بود، در پیش گرفت. بعداً با احساس خطر دوام حضور امریکا در افغانستان برای امنیت پاکستان در دو استقامت دست به اقدامات لازم زد :

- استفاده از احساسات بیگانه ستیزی افغان ها در پیشبرد جنگ نیابتی بر ضد مهاجمین در افغانستان و به موازات آن کشیدن پخپل سر سیم خاردار در امتداد خط دیورند.

- اقدام به راکت پرانی در مناطق همجوار خط و ایجاد پست های نظارت در قلمرو افغانستان.

ائتلاف نظامی به رهبری امریکا در طول بیست سال به عنوان نظاره گر بی مسئولیت و پاسیف در برابر تعرضات پاکستان موقف دفاعی اختیار کرد. با امتناع از اعطای امکانات دفاعی به اداره کابل، موجب تشویق تجاوزات پاکستان شد. عامل بی اعتنائی در برابر تجاوزات پاکستان این بود که مهاجمین خارجی کنترل بر افغانستان را به کمک پاکستان مقدم به رسیدگی به حساب پاکستان در اجندا داشتند.

۳- منازعه هندوستان و پاکستان بالای کشمیر عمیقاً در بحران افغانستان گره خورده است.

این واقعیت است که پاکستان در طول ۲۰ سال از مقاومت طالب به مثابه « سپر بلا » سود برده است. رخ دیگر واقعیت این است که طالبان قسماً با استفاده از کمک های لوژستیک پاکستان توانستند، امریکا را ظاهراً به قبول خروج قوآ طی چارده ماه آینده ناگزیر بسازند.

۴ - از قراین معلوم میشود که پاکستان علی الرغم تظاهرات خوشبینانه دیپلماتیک، از امضای موافقتنامه میان امریکا و طالبان ناراض است. عدم رضائیت پاکستان را انفجارات و برخورد هائی بیان میکنند که پس از امضای موافقتنامه در شهر های افغانستان، از جمله در زندان ننگرهار به وقوع پیوست و مسئولیت آنها را طالبان بدوش نگرفتند. پاکستان از توافق میان امریکا و طالبان نگران است. این کشور درین تازگی ها برای دوام اعمال نفوذ از راه جنگ استخباراتی در افغانستان علاوه بر داعش و گروه های مذهبی به تولید یک مخلوق دیگر بنام « د ختک طالبان » اقدام کرده ست.

۵ - امضای موافقتنامه با امریکا بزرگ ترین گام در جهت خود مختاری طالبان به حساب میرود. موافقتنامه وثیقه آغاز حرکت طالبان به سوی صلح و امنیت نسبی از راه شکل دادن یک نظام همه شمول و متمرکز در مذاکرات آینده با مخالفین است. وزنه مخالفین طالب و اداره کابل در پروسه مذاکرات، وابستگی احتمالی طالبان را به بیرون تعدیل میکند و ضمانت لازم برای زمینه سازی یک مرحله انتقالی بسوی ثبات عاری از نفوذ احتمالی پاکستان بدست میدهد. بالابینی حلقات خارجی از پروسه مذاکرات، عامل مزید به کاهش و نهایتاً حذف کنترل پاکستان بالای طالبان خواهد بود.

استقلال حکومت آینده در برابر نفوذ خارجی بسته به چگونگی ترکیب اردو و حکومت است : طالبان بار ها گفته اند که در چُرت انحصار قدرت نیستند. این بدان معنا است که در نظام سیاسی آینده تکنوکرات ها و اهل مسلک جایگاه مطمئن

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

دارند. به این ترتیب نفوذ ملی گرایان اهل مسلک و جا به جایی ملیشایی طالب در کدر اردو با حفظ چوکات عمومی آن ضمانت قوی دیگری برای دفع نفوذ کشور های همسایه بالای حاکمیت آینده بدست میدهد.

پاکستان در ۲۰ سال اخیر از بی تفاوتی تشویق آمیز قوای اشغالگر و عجز و بیچارگی حکومت های افغانستان در دفاع از قلمرو ملی برای تاخت و تاز به سوی افغانستان حد اعظمی سوء استفاده را نموده است :

تصرف یک جانبه و زورگویانه بر خط دیورند، راکت پرانی های دوامدار به سوی افغانستان و ایجاد پست های کنترل در قلمرو افغانستان، مفاد اقتضایی را نصیب پاکستان گردانیده، اما در طویل المدت به تحریک احساسات ملی افغان ها کمک کرده است. در سالیان اخیر در بین خواص و عوام مخالفت و دشمنی با پاکستان آنقدر عمیق شده است که مردم در عقب هر مصیبتی هیولای استخبارات پاکستان را دخیل میداند. تحت چنین شرایطی هیچگونه خطری از ناحیه ورود طالبان در تعامل حکومتداری متوجه مردمی که در اندوه اراضی از دست رفته آنسوی دیورند چشم امید حتی به متجاوزین خارجی چهل سال اخیر دوخته است، مطرح نیست.

۶- خروج قوای امریکا از افغانستان موضوع داغ مشاجره میان جمهوریخواهان و دیموکرات ها در کامپاین انتخاباتی آینده امریکا خواهد بود.

دیموکرات ها و جمهوریخواهان هر دو مخالف خروج کامل قوای امریکا از افغانستان اند. اندکی پس از امضای موافقتنامه میان طالبان و امریکا دیموکرات ها یک طرح تعدیل در مصرف بودجه سال مالی ۲۰۲۱ را به کمیته خدمات اردوی امریکا (کانگرس) پیشنهاد کردند. طرح وزارت دفاع را از خروج کامل قوا منع میکند. برای تصویب طرح قبلاً مقدمه چینی شده بود :

نویارک تایمز در ۲۶ جون یک خبر غیر مستند را به نقل قول از استخبارات امریکا به نشر رساند که طبق آن یک واحد نظامی استخبارات روسیه متهم به پرداخت جاززه به ملیشایی طالب در ازای کشتن سربازان ناتو و بخصوص امریکا شده بود. یک هفته پس از نشر این خبر کانگرس طرح تنقیص در مصارف خروج سربازان امریکا از افغانستان را تصویب کرد.

طرح از جانب جانسن کروو ( دیموکرات ) و لیزشنی ( جمهوریخواه، دختر دیک شنی معاون ج. بوش در ۲۰۰۱-۲۰۰۹ و مهندس تجاوز و اشغال افغانستان ) ارائه شد. مسوده در ۲ جولای با اکثریت قوی هر دو حزب به تصویب رسید.

مصوبه محتوی ایجاد تنقیص در مصرف بودجه نظامی ( از جمع ۵,۷۴۰ میلیارد دلار ) به قصد خروج قوای امریکا از افغانستان است. مصوبه وزارت دفاع را از کاستن شمار سربازان امریکا از حد ۸۰۰۰ نفر منع مینماید. مصوبه موافقتنامه امریکا با طالبان را غیر واقعینانه و در تقابل با امنیت ملی امریکا قیاس میکند. مصوبه تصریح میکند که کاهش سربازان امریکا باید ماموریت جنگ بر ضد تروریسم را اخلال نکند. نتیجه :

افغانستان در قلب بازی بزرگ ستراتژیک و ژئوپولتیک در قرن ۲۱ قرار گرفته است. تقابل منافع قدرت های مداخله گر، افغانستان را به مرکز جنگ خونریز استخباراتی در منطقه تبدیل کرده است.

طالبان تولید ستراتژیک جنگ ویرانگر چار دهه است. از جمع ممالک مداخله گر هر کشوری که بالای این نیروی بزرگ جنگ ملیشایی کنترل قائم کند، میتواند معادله قواء را در افغانستان به سود خود چرخ بدهد.

موافقتنامه صلح با امریکا، طالبان را در بست از اختیار پاکستان بیرون میکند. پاکستان با نگرانی در تلاش دسترسی به افزار های بدیل برای اعمال نفوذ در افغانستان شده است.

افغانستان به طالبان واقع بین، آزاد اندیش و آشتی پذیر با ارزش های دنیای متمدن برای ساختن نظامیکه حرف خود را در بازی پیچیده سترنج منطقه داشته باشد، ضرورت دارد.

مخالفین مسلح نقش خود را در جنگ خوب ادا کردند. دریافت کمک از کشور های دور و نزدیک برای تحقق داعیه آزادی، امر معمول در جهان است و کسی به گناه آن مواخذه نمیشود. گناه حفظ وابستگی به ممالک حریص و مغرض در شرایط صلح است. « پایان » - فرانسه